

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه هفته وقف

نویسنده: رضا اخوی

ویراستار: مهدی صباغی

شمارگان: ۵۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو،
سازمان اوقاف و امور خیریه،
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد،
جنب امامزاده شاه سیدعلی، مجتمع
فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و
اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۶۹

طراح جلد: حامد زاهد

صفحه آرا: زهره پرهیزکاری

ناشر: مجتمع فرهنگی آموزشی
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان
اوقاف و امور خیریه

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۵

@mfso94

سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

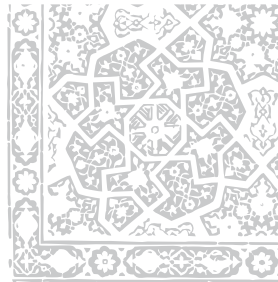


پیشگفتار



کوتاه و گذرا بودن زندگی، مسافر بودن انسان در دنیا، ماندگاری و جاودانگی در آخرت، پایان دیر یا زود زندگی، مال و ثروت، برکت و بی‌برکتی عمر و زندگی، وقف، انفاق، احسان و ... واژه‌هایی هستند که بسیار شنیده شده، ولی کمتر اندیشیده می‌شوند؛ حقایقی که در گذر زمان چه بسا به فراموشی یا غفلت سپرده می‌شوند، حال آنکه عمل‌کردهای انجام گرفته بر اساس همین باورها، مبنا و اساس ارزشمندی و برکت، یا بی‌برکتی زندگی یک انسان قرار خواهند گرفت.

امام باقر (علیه السلام) در ترسیم الگوهای برکت‌آفرین و رحمت‌بخش و نیز اسوه‌های شرآفرین چنین می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ عِبَادًا مِمَّا يَنْبَغِي مَبَاسِرَ يَحْيِشُونَ وَ يَحْيِشُ النَّاسُ فِي أَكْثَافِهِمْ وَ هُمْ فِي عِبَادِهِ مَمْنَزِلَةُ الْقَطْرِ؛ خدا بندگان دارد که منبع و سرچشمه‌ی میمنت و برکت‌اند. خودشان زندگی می‌کنند و مردم هم در کتف حمایت آن‌ها زندگی می‌کنند. این‌ها افرادی هستند که وجودشان مایه‌ی برکت و میمنت است و مردم از برکات و وجودشان پیوسته برخوردارند و به حوائج مادی و معنوی‌شان نائل می‌گردند. این‌ها در میان بندگان خدا مثل باران رحمت‌اند که با ریزش خود، زمین‌های خشک را زنده می‌کند و شاداب و بطراوت می‌سازد و آن‌ها را به میوه و محصول و ثمر می‌رساند.»

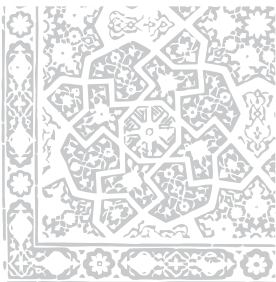


از آن طرف نیز: «وَلِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادٌ مَلَائِكٌ لَا يَعْشُونَ وَلَا يَعْشُونَ النَّاسُ فِي أَكْثَانِهِمْ وَهُمْ فِي عِبَادِهِ مَمْنُونَةٌ الْجَرَادِ لَا يَقْعُونَ عَلَيَّ شَيْءٌ إِلَّا أَتَوْا عَلَيَّ؛ و خدا را بندگانی است که از رحمت او دورند و کانون منکرات و زشتی‌ها هستند؛ نه خود زندگی آرامی دارند، نه دیگران در کنار آن‌ها به زندگی می‌رسند. آنان مثل ملخ‌هایی هستند که وقتی به زراعتی می‌رسند، آن را می‌خشکانند.»^۱

نوشتار حاضر، تلاشی است برای استفاده بهتر از داشته‌ها و زینت‌های زندگی و پیوستن به خیل واقفان و نیکوکاران. به امید آن‌که نورانیت آیه‌های قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، میان‌بری باشد برای گسترش سنت حسنه‌ی وقف و استفاده بهینه از فرصت زندگی برای آبادانی آخرت. ان‌شاءالله.

معاونت فرهنگی و اجتماعی

سازمان اوقاف و امور خیریه





باران آیه‌ها

◆ شکوفه‌هایی برای بهشت

شکوفه‌ها با وجود زیبایی و جذابیت فوق‌العاده، وقتی ارزش واقعی خود را می‌یابند که به گل و میوه تبدیل شوند وگرنه زود می‌شکفند و پژمرده می‌شوند، پُرپر می‌گردند و روی زمین می‌ریزند و چند صباحی بیش‌تر پایدار نمی‌مانند. ثروت و دارایی انسان نیز به‌سان شکوفه‌ها و زیبایی‌هایی هستند که با انفاق، احسان و وقف آن‌ها در راه خدا، به گل‌هایی لطیف و دوست‌داشتنی تبدیل می‌شوند و عطر بندگی و خداخواهی و دستگیری از نیازمندان را در فضا می‌پراکنند و میوه و ثمراتی شیرین و گران‌بها می‌دهند.

خداوند در قرآن کریم به زیبایی هرچه تمام‌تر می‌فرماید: «**وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فَبِئْسَ مَا يَكْسِبُونَ**». این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم»^۱

از آن جاکه عمر گل کوتاه است و خیلی زود از بین می‌رود، خداوند راه‌کار ماندگاری این گل‌ها را نیز بیان کرده است: «**وَرِزْقٌ رَّبِّكَ حَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ**؛ و روزی پروردگارت هم بهتر است و هم ماندگار و پایدارتر»؛ یعنی انسان باید شکوفه‌های زندگی دنیایی را به دارایی آخرتی تبدیل کند تا در قیامت و حیات جاودان، این شکوفه‌ها گل کند و چیدن میوه و ثمره‌ی آن، آدمی را مسرور و سرمست نماید. مهم آن است که انسان باور کند زرق و برق دنیا برای هیچ‌کس میوه نمی‌شود و هیچ‌کس از دنیا طرفی نمی‌بندد، مگر آنچه را ماندگار نموده و شکوفایی‌اش را برای آخرت واگذار کرده است.

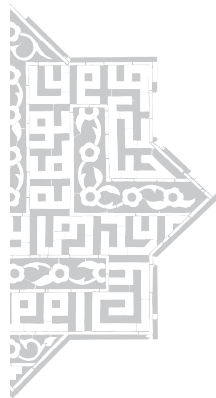


◆ قَلک آخرت

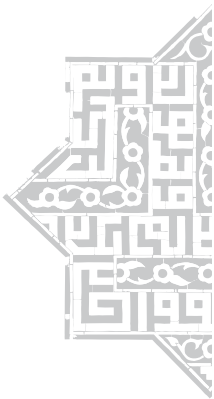
یکی از زیبایی‌ها و دل‌خوشی‌های دوران کودکی، داشتن قلکی سفالی یا پلاستیکی بود که سکه‌ها را درون آن بریزند تا پس از مدت زمان مشخص، برای هدفی خاص که آن را ذخیره کرده بودند، استفاده کنند و علاوه بر لذت شکستن قلک، از فراوانی سکه‌ها و پول‌ها نیز شادمان شوند.

اگرچه امروزه جای آن قلک‌ها را حساب‌های پس‌انداز، حساب آتیه و... اشغال کرده و آن لذت مراجعه مداوم، لمس پیوسته و نگاه یک چشم به سکه‌های داخل قلک را از بسیاری گرفته، ولی هنوز هستند کسانی که به یاد همان خاطرات خوش، برای برخی کارهای پس‌اندیده و خیرخواهانه، مانند زیارت یا کمک به نیازمندان، هم‌چنان قلکی برای خود می‌سازند.

خداوند متعال نیز برای جمع‌آوری سکه‌های خیرخواهانه و معنوی انسان پس‌انداز آن برای روز نیاز، قلک وقف را پیشنهاد داده است؛ قلکی که با پس‌انداز تدریجی در آن، خداوند در روز قیامت، آن را به او تحویل می‌دهد و انسان با مشاهده‌ی موجودی آن، خوش‌حال و شاد از پس‌اندازهایش، با در دست داشتن دفترچه‌ی پس‌انداز، به سوی جایگاه بهشتی خود روانه می‌شود. تنها اندکی یقین و صبر، به همراه چاشنی آینده‌نگری و چشم بستن بر داشته‌ها نیاز است تا پایانی مسرت‌بخش رقم بخورد. این وعده و بشارت خداوند است که فرمود: «وَقَدْ مَوَّا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ و نیکی برای خود از پیش بفرستید و از خداوند بترسید و بدانید شما او را ملاقات می‌کنید و به مؤمنان مژده ده!»^۱



◆ کیاست بهشتیان



برخی‌ها در معامله زنگ‌اند؛ کم می‌دهند و بسیار می‌گیرند. با اندکی کیاست و چانه‌زنی، سود سرشار از معامله می‌برند و چرخ زندگی را با سرعت بیش‌تری به جلو می‌رانند.

گاه با توجه به رابطه‌ها و دست‌های پشت پرده، سر بزنگاه حاضر می‌شوند و با سفارش دوست قابل‌اطمینان، معامله را به انجام می‌رسانند و در مدت کوتاهی، یک‌شبه ره صدساله می‌روند!

برخی دیگر از چنین زرنگی و کیاستی در امور معنوی برخوردار هستند؛ بذری می‌دهند و باغ میوه می‌گیرند؛ نهال می‌کارند و بوستان تحویل می‌گیرند؛ بخشی از دارایی خود را وقف می‌کنند و لذت‌های دل‌خواه دائمی «ما تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ»^۱ می‌گیرند! شادکامی و بهترین عاقبت‌ها «طُوبَى لَهُمْ وَ حَسَنُ مَا بِ»^۲ می‌گیرند، جاودانگی در بهشت «خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا»^۳ می‌گیرند؛ نیک‌نامی و شهرت دنیایی می‌گیرند؛^۴ سود و پاداش بی‌حساب می‌گیرند.^۵

۱. «ما تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ در آن (بهشت) آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد موجود است و شما همیشه در آن خواهید ماند.» (سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۷۱)
۲. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ حَسَنُ مَا بِ»؛ آن‌ها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین [زندگی] نصیب‌شان است و بهترین سرانجام‌ها.» (سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۹)
۳. «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ عَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَ مَنْ أصدقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، به‌زودی آن را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. وعده‌ی حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده‌هایش، از خدا صادق‌تر باشد؟!» (سوره‌ی نساء آیه‌ی ۱۲۲؛ رک: سوره‌ی بقره، آیات ۲۵ و ۸۲؛ سوره‌ی نساء آیه‌ی ۵۷؛ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۲؛ سوره‌ی هود، آیه‌ی ۲۳؛ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۳؛ سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۱۱)
۴. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، خداوند رحمان محبت آنان را در دل‌ها می‌افکند.» (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۹۶)
۵. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ.» (سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۸)



راستی! کدام معامله است که چنین سودی را نصیب انسان می‌کند؟! خداوند هم به‌عنوان طرف معامله، نه این‌که متوجه نباشد، خودش دوست دارد این‌گونه با خوبان و بندهای نیک‌اندیش معامله کند. اصلاً طبیعت وقف، رساندن سود سرشار به واقف است؛ کمی از مال را صرف ساختن حسینیه، درمانگاه، مسجد و... می‌کند و تا آن مسجد هست، هر ثواب و کار خیری که در آن انجام می‌شود، هر قرآنی که قرائت می‌شود و نمازی که اقامه می‌گردد، هر زیارت و ذکری که در آن برپا شود، ثوابش برای او هم نوشته می‌شود و او شریک تمام این سوده‌های معنوی خواهد بود. گاه یک مُهر و تسبیح، یک جلد قرآن، یک کتاب دعا و... این پاداش‌های بی‌نهایت و ماندگار را برای انسان به ارمغان می‌آورد و در دفتر آجر الهی، نام او را در زمره‌ی واقفان و خیراندیشان ثبت می‌کند.



برخی همیشه دنبال سکوی پرشی هستند تا زودتر به هدف برسند و آینده‌ای دل‌نشین به‌همراه موفقیت و سرافرازی برای خود رقم بزنند؛ از سیاست و اجتماع گرفته تا ثروت و شهرت و ورزش. در امور معنوی نیز برخی کارها همانند سکوی پرش عمل می‌کنند، به شرط آن‌که با یادگیری صحیح و رعایت دقیق همراه شود تا از هدف بازماند.

کار نیک وقف و اصولاً هرکار خیر، به‌مثابه ایستادن بر سکوی پرشی است که اگر خالصانه و «لَوْجَه الله» انجام پذیرد، انسان نیکوکار را در دریایی از رحمت و نعمت الهی غوطه‌ور ساخته، باران مغفرت، بخشش و دیگر مواهب پروردگار، سراسر وجودش را شست‌وشو خواهد داد و فرد خَیْر، در دریای زلال و لذت‌بخش عفو و رحمت خداوندی شناور خواهد شد؛ اما اگر خدای ناکرده، انجام کار نیک با نیت ریا، تعریف و تمجیدها و کسب نام و شهرت باشد، همانند شیرجه زدن در استخر بدون آب و سنگ‌فرشی شیطان است که تنها سرابی از رحمت و نعمت را بدو نمایانده و بدعاقبتی و هلاکت را برای او به ارمغان آورده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برای‌شان نزد پروردگارش (محفوظ) است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند.»^۱

در آیه‌های دیگر بر لزوم وقف از مال حلال و درآمدهای مشروع تأکید کرده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، درحالی‌که آن را [اگر به خودتان می‌دادند] جز با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن، نمی‌گرفتید و بدانید خداوند، بی‌نیاز ستوده است.»^۲

◆ کف دریا

برخی چیزها جلوه و زیبایی دارند، چشم‌نواز و زیبا هستند؛ اما ماندگاری ندارند و زود از بین می‌روند. به تعبیر قرآن، برخی چیزها مانند کف روی آب دریا یا کفی است که در کوره‌های آتش ایجاد می‌شود؛ این‌ها رفتنی هستند؛ مانند خیلی از خرج‌ها و هزینه‌هایی که در طول شبانه‌روز انجام می‌شود و اثری از آن باقی نمی‌ماند؛ ولی آب دریا و فلز و طلای خالصی که با کنار رفتن کف‌ها باقی می‌ماند، همان خوشی و زیبایی حقیقی است که ماندگار و باثبات است؛ درست مثل احسان برای خدا و وقف بخشی از درآمد و دارایی که کنار خرج‌های زندگی، برای همیشه باقی می‌مانند و در قیامت دستگیر انسان خواهند بود.

خداوند می‌فرماید: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ؛ خداوند از آسمان، آبی فرستاد و از هردرّه و رودخانه‌ای به اندازه آن‌ها سیلابی جاری شد، سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه [در کوره‌ها] برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید - خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند!-؛ اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند؛ ولی آنچه به مردم سود می‌رساند (آب یا فلز خالص) در زمین می‌ماند. خداوند، این چنین مثال می‌زند!»^۱

باید باور کرد: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛ آنچه نزد شماست تمام شدنی است و آنچه نزد خداست، ماندنی!»^۲





◆ بیت الغزل زندگی

هرکس یک سری برجستگی‌ها و امتیاراتی دارد که با آن‌ها شناخته می‌شود و در اولین نگاه، همان‌ها به چشم می‌آید و به ذهن خطور می‌کند. در ادبیات نیز به زیباترین و برجسته‌ترین بیت غزل از لحاظ لفظ و معنی، بیت الغزل یا شاه‌بیت می‌گویند.

شاه‌بیت زندگی هرکس می‌تواند کارهای نیک و احسان‌هایی باشد که در دفتر زندگی‌اش می‌سراید و آن را برای همیشه باقی می‌گذارد. «وقف» بیت الغزل زندگی است که با انتخاب قطعه و بخشی از دارایی و املاک، تا ابد هرکس به آن می‌نگرد و از آن بهره‌مند می‌شود، سراینده‌اش را می‌ستاید و به روح بزرگ و مناعت طبع او درود می‌فرستد. خداوند نیز چنین خیراندیشان و انجام‌دهندگان اعمال نیک و شایسته را با بهترین جوایز مادی و معنوی در دنیا و آخرت، مورد تفضل و عنایت خویش قرار می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَّرَدًّا؛ و آثار شایسته‌ای که از انسان باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر و عاقبتش خوب‌تر است!»^۱

◆ انعکاس خوبی‌ها

هرچیز واکنش، بازتاب و انعکاسی دارد؛ خوب و زیبا باشد یا زشت و نازیبا، انسان پاسخ آن را در دنیا خواهد شنید؛ همانند ایستادن پای کوه و فریاد کشیدن!
این یک سنت همیشگی است که بازتاب نیکی‌ها و بدی‌ها به خود انسان بازمی‌گردد. هرضربه‌ای که انسان می‌زند، بر پیکر خویشتن زده و هرخدمتی می‌کند، در حقیقت به خود کرده است؛

به تعبیر قرآن: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛ اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.»^۱

بازگشت و انعکاس وقف و نیک‌اندیشی واقفان و خیران نیکوکار، نیک‌نامی و دعای خیر مردم در دنیا و نعمت و رضوان الهی در آخرت خواهد بود. قرآن به صراحت می‌فرماید: «وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ؛ هرکار خیر که انجام دهند، بدون پاداش نخواهد ماند.»^۲
به گفته سعدی:

نام نیکی گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار

این همان سخن امیرمؤمنان (علیه السلام) است که فرمودند: «وَلِلسَانِ الصَّادِقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْمَالِ [يُورَثُهُ غَيْرُهُ] يَرِثُهُ غَيْرُهُ؛ نام نیکی که خدا [در سایه‌ی نیکوکاری و محبت] به انسان عطا می‌کند، از ثروتی که به‌هرحال برای دیگران به ارث می‌گذارد، بهتر است.»^۳

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷.

۲. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۵.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳.



◆ فاکتور آخرت

افرادی که از شَمّ اقتصادی بالایی برخوردارند، با پیش خرید برخی اجناس، محصولات، املاک و مانند آن، از مدت‌ها قبل برای آینده برنامه‌ریزی می‌کنند تا در موعد مقرر، سود سرشاری عایدشان شود.

همین روحیه اقتصادی اگر با ایمان به غیب و معنویات پیوند زده شود، انسان‌های زیرک را به پیش‌خرید منافع آخرتی ترغیب می‌کند و با نگاهی به آینده، با انفاق و احسان و وقف بخشی از دارایی‌ها و املاک، به آبادانی دنیای آخرت خویش می‌پردازند و با جلب رضایت پروردگار، بهشت و رضوان الهی و خوشی‌ها و لذت‌های آن را برای خود سفارش می‌دهند.

تنها شرط آفت ندیدن و هدر نرفتن این سفارش‌های معنوی، داشتن اخلاص و قصد قربت است تا سند خیرخواهی به نام او زده شود و کشتی‌های حامل وقف و احسان، در دریای ریا و خودخواهی غرق نگردند و هوایی‌های حامل ذخیره‌های معنوی، با نیت‌های آلوده به هوای نفس، دچار سانحه و سقوط نشود و قطار نیکوکاری از ریل خداخواهی خارج نگردد؛ در این صورت نعمت‌های الهی در دنیا و آخرت، نصیب آنان می‌شود، همان‌گونه که خداوند متعال در وصف نیکوکاران و احسان‌کنندگان می‌فرماید: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنَعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ؛ برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزکاران!»^۱



۱ . سوره ی نحل، آیه ی ۳۰.

◆ گردنه‌ی صعب‌العبور!

عبور از جاده‌های خاکی و گردنه‌های سنگلاخ و پیچ‌در‌پیچ، برای هرراننده‌ای دشوار است و هرعاقلی، جاده‌های صاف و هموار را به گردنه‌های دهشت‌آور و خطرناک ترجیح می‌دهد.

به فرموده قرآن، جاده‌ی آخرت گردنه‌ها دارد، سنگلاخ است و پرپیچ‌وخم، مسیری خطرناک و دلهره‌آور که خیلی‌ها نمی‌توانند از آن عبور کنند و با وجود آن‌که می‌توانستند مسیر را صاف و هموار نمایند، کوتاهی کردند و خود را در خطر سقوط قرار دادند: «فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَ مَا اَدْرَاكُ مَا الْعَقَبَةُ؛ نتوانست از گردنه بالا برود و تو چه دانی گردنه

چیست؟!»^۱

برای رسیدن به بهشت، باید این جاده را هموار کرد؛ صاف و صیقلی و آسفالت‌ه کرد. احسان و انفاق، وقف کردن بخشی از اموال، کارهای خیرخواهانه، گره‌گشایی از نیازمندان و واماندگان و... باعث می‌شود مسیر پرتلاطم و گردنه‌های سخت و نفس‌گیر آخرت به آسانی و اطمینان، طی شوند.

خداوند متعال راه‌های هموار کردن جاده آخرت را در قرآن ترسیم کرده است:

«فَكَ رَقَبَةً؛ آزاد کردن برده‌ای»، وقف کردن مال برای آزادی کسانی که گردن‌شان زیر بار قرض گیر افتاده است؛

زندانیانی که با اشتباه و بی‌تدبیری، خود را از آزادی و خانواده و فرزندان را از نعمت پدر محروم کرده‌اند؛

«أَوْ اطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ؛ یا اطعام کردن در روز گرسنگی»، مانند وقف کردن مال برای تهیه‌ی غذا و نذورات برای

آسایشگاه‌ها، پرورشگاه‌ها، خانه‌ی سالمندان، مناطق محروم و...؛

«بیتيماً ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِيناً ذَا مَقْرَبَةٍ؛ یتیمی از خویشاوندان یا نیازمندی خاک‌نشین»، وقف بخش از دارایی برای کودکان

بی سرپرست، کودکان خیابانی، خویشان نیازمند، یتیمان و... .

در نگاهی جامع‌تر، وقف بخشی از دارایی برای برنامه‌های فرهنگی، ترویج آموزه‌های ناب دینی و گسترش زیبایی‌های

معنوی، برای نجات جوانان غفلت‌زده‌ی تشنه‌ی معنویت که به دلیل نداشتن غذاهای علمی و معنوی مناسب، گرد و

غبار گناه و ناهنجاری‌های اخلاقی بر دامن‌شان نشسته است.



◆ تلخ اما واقعی!

سوم، هفتم، چهلم، سالگرد، سال اول، دوم، سوم و... به قول معروف، خاک سرد است و گریه‌های شدید، ناله و فریاد و غصه و اندوه فرزندان، وابستگی و دوستان، رفته‌رفته به آرامش و یاد عزیز ازدست‌رفته، خیلی زود فراموش و کمی بعدتر به خاطره تبدیل می‌شود. نسل که عوض شود و افراد جدید از نوه و نتیجه و نبیره و ندیده بیایند، شاید سال‌ها بگذرد و یادی از نسل‌های گذشته نکنند؛ پدربزرگ‌های قدیم، مادربزرگ‌های نسل‌های گذشته که تنها نام‌شان در شجره‌نامه به یادگار مانده و آن مرحومان، هم‌چنان چشم به راه فاتحه و خیراتی از این نسل‌های بی‌خیال و فراموش‌کار امروزی!

خیلی که خوش‌بین باشیم، باید امیدوار بود میان این نسل‌های جدید، کسی پیدا شود و گاه فاتحه‌ای برای تمام نسل‌های خود بفرستد و بهره‌ای نصیب آنان گردد.

این طبیعت فراموشی انسان است که همواره جریان دارد؛ همان‌گونه که آدم‌های امروزی نیز چندان به فکر اجداد و نسل‌های گذشته‌ی خود نیستند و چه‌بسا تاکنون خیرات و فاتحه‌ای برای آنان نفرستاده‌اند.

باید از امروز به فکر خود بود تا پس از مرگ، انسان محتاج و چشم به راه دیگران نماند. «وقف» سرمایه‌گذاری مطمئنی است که تا همیشه خیرات و مبرات را به سوی انسان سرازیر می‌کند و او را از نیازمندی به دیگران می‌رهاند.

کار خالصانه و ماندگار شیخ عباس قمی در تدوین مفاتیح‌الجنان، چه برکات غبطه‌برانگیزی برای او به همراه می‌آورد یا واقفانی که در ساخت مسجد، مدرسه، بیمارستان، حوزه‌های علمیه، حسینیه، دارالقرآن و مانند آن قدم برداشته‌اند،

چنان برکات بی‌ظنیری برای خود مهیا کرده‌اند که فراموشی نسل‌ها، زبانی به آن‌ها نمی‌رساند.

خداوند چه مشفقانه می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ و از آنچه به شما عطا کرده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آن که مرگ به سراغ یکی از شما بیاید؛ پس او بگوید: پروردگارا! کاش مدتی اندک به من مهلت می‌دادی تا انفاق کنم و از صالحان گردم.»^۱

ای که دستت می‌رسد کاری بکن قبل از آن‌که دست ناپید هیچ‌کار

۱. سوره‌ی منافقون، آیه‌ی ۱۰.

◆ از دنیا تا آخرت

بذر و دانه‌ای که انسان در زمین می‌کارد و نهالی که در زمین می‌نشانند، به امید به‌بارنشستن، ثمربخشی و چیدن میوه‌های آن است که باعث می‌شود سختی‌ها را تحمل کند، آن را آبیاری و مراقبت نماید تا به رشد و کمال برسد.

درخت طیبه وقف از جمله نهال‌هایی است که چنانچه در زمین تقوا و اخلاص کاشته شود، همواره پرتراوت و سرزنده خواهد ماند و ثمرات و برکات خود را تا همیشه نصیب انسان می‌گرداند. درخت وقف، همانند درختی جادویی، خیرات و مبراتش هرگز تمام نمی‌شود و میوه‌ها و ثمراتش، پایانی نخواهد داشت.

جالب‌تر آن‌که، شاخه‌های درخت وقف تا قیامت گسترده می‌شود و آن‌گاه که دست انسان از دنیا کوتاه می‌گردد، واقفان و نیکوکاران، با دستان خویش از میوه‌های شیرین و کام‌بخش عمل صالح و خیرات دنیایی خویش خواهند چید؛ همان ثمرات مبارکی که با گفتن و نوشتن چند کلمه به‌عنوان وقف، نصیب انسان می‌شود. قرآن در تبیین این حقیقت می‌فرماید: «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَ قَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا؛ کلمه‌ی پاک و نیکو مانند درخت پاک و نیکو است که ریشه‌ی آن ثابت و استوار و شاخه‌هایش در آسمان است و ثمرات و میوه‌هایش را در همه وقت به اذن پروردگارش عطا می‌کند.»^۱

و می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آتَاهُمْ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ؛ همانا ما مییم که مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند، با آثار و اعمال‌شان می‌نویسیم و هرچیز را در لوح محفوظ برمی‌شماریم.»^۲



◆ فقط نیم‌روز



انسان برای یک مسافرت کوتاه چندساعته یا چندروزه، ساک و چمدان می‌بندد و برای حرکت آماده می‌شود. به فرموده‌ی قرآن کریم، زندگی در دنیا به‌سان یک نیم‌روز است: «كَانَهُمْ يَوْمَ بُرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا؛ زمانی که قیامت واقع می‌شود، شما خیال می‌کنید یک روز یا یک نصف روز بیش‌تر در دنیا نبودید.»^۱

حال چگونه است سفر طولانی آخرت که به فرموده قرآن، هرروز آن به اندازه‌ی هزارسال دنیاست؟!^۲ انسان باید برای این سفر طولانی و بدون بازگشت، چمدانی از احسان و انفاق، وقف و نیکی‌های فزاینده و رشددهنده با خود همراه سازد و از فرصت اندک فراهم‌شده در دنیا، به بهترین نحو ممکن بهره‌برد و زاد و توشه‌ای همیشگی برای خود تدارک ببیند؛ چراکه مقصد طولانی، زاد و توشه‌ی بیش‌تر و کامل‌تری می‌طلبد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمودند: «وَاعْلَمُ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا دَا مَسَافَةً بَعِيدَةً وَ مَسْفَقَةً شَدِيدَةً، وَ أَنَّهُ لَا غِنَى بِكَ فِيهِ عَنْ حُسْنِ الْإِزْتِيَادِ، وَ قَدْرٍ بَلَغَكَ مِنَ الرِّزْقِ مَعَ حِفْظِ الطَّهْرِ. فَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ فَيَكُونَ نَقْلُ ذَلِكَ وَبِأَلَّا عَلَيْكَ؛ آگاه باش! راهی بس طولانی و دشوار در پیش داری و در پیمودن آن راه از کردار پسندیده و توشه‌ای چندان که تو را سبک‌بار به منزل برساند بی‌نیاز نیستی؛ پس خویشتن را گران‌بار مساز که آن وبال تو خواهد شد و تو را از ادامه‌ی راه باز می‌دارد.»^۳

۱. سوره‌ی نازعات، آیه ۴۶.

۲. «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند، سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمردید به‌سوی او بالا می‌رود [و دنیا پایان می‌یابد].» (سوره‌ی سجد، آیه ۵)

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

◆ پُل سعادت

از قدیم گفته‌اند کفن جیب ندارد؛ درست هم گفته‌اند. هر قدر انسان ثروتمند و دارا باشد، حتی اگر در زمهری ثروتمندترین افراد جهان باشد و از غول‌های اقتصادی به‌شمار آید، همین که عمرش به پایان برسد، دیگر هیچ چیز به کارش نمی‌آید. مکان قبر، جنس کفن، کیفیت سنگ قبر، دسته‌ی گل، پذیرایی از عزاداران و دیگر تشریفات، تنها احترام به میت و خوشایند بازماندگان است که تمام این‌ها، دردی از او درمان نخواهد کرد. از آن همه ثروت و دارایی، ذره‌ای همراه او به جهان دیگر منتقل نخواهد شد، جز پرونده‌ی اعمال و نامی که از او باقی مانده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمود: «انسان آن‌گاه که در آخرین روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت قرار می‌گیرد، مال و فرزندان و عملش در مقابل او به نمایش گذاشته می‌شود، پس به سوی مال و دارایی خود رو می‌کند و می‌گوید: سوگند به خدا که من بر تو حریص و بخیل بودم، پس سهم من از تو چیست؟ مال خطاب به او می‌گوید: از من تنها کفن خود را برگیر!»

پس به فرزندان خود رو می‌کند و می‌گوید: به خدا سوگند که دوستدار شما بودم و همواره از شما حمایت و پشتیبانی می‌کردم، اکنون نصیب و بهره من از شما چیست؟ فرزندان می‌گویند: [پس از مرگ] تو را به [کنار] قبرت می‌رسانیم و در آن پوشیده و پنهان می‌سازیم، سپس رو به سوی عملش می‌کند و می‌گوید: به خدا سوگند که من به تو اعتنایی نداشتم، اگرچه تو سنگین [و ارزشمند] بودی! عمل خطاب به او گوید: من در قبرت با تو همدم خواهم بود و تا روز برانگیخته شدن با تو همراهم تا این‌که من و تو بر پروردگارت عرضه شویم.^۱

در این وانفاسی سختی‌ها و مشکلات، خداوند مهربان، با «وقف»، پل و میانبری ایجاد کرده است برای رساندن اموال دنیا به سرای دیگر؛ آن‌ها را به خدا می‌سپارد و در آخرت تحویل می‌گیرد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ؛ و هر چه در راه خدا انفاق کنید، به‌طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد.»^۲

۱. نک: بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۲۵؛ تفسیر المیزان، بحث روایی ذیل آیات ۱۵۳-۱۵۷ سوره بقره.

۲. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۰.





◆ فانوس

در تاریکی شب، باید شمع و فانوسی دست انسان باشد تا پیش پای او را روشن باشد و از سقوط و خطر در امان نگه دارد. حال اگر کسی برای عبور از تاریکی، چراغ را پشت سر خود نگه دارد یا به فرد پشت سر بدهد تا راه را برای او روشن سازد، نه عاقلانه است و نه مطمئن. وقتی انسان خودش می‌تواند مسیر را روشن و رفتنی نماید، چرا باید به دیگران بسپارد؟!

وقف‌هایی همانند تأسیس صندوق قرض‌الحسنه و پرداخت وام به نیازمندان، تهیه‌ی جهیزیه‌ی نوجوانان، ایجاد اشتغال، رسیدگی به یتام و کارهای خیرخواهانه‌ای از این قبیل، به‌سان نورهایی هستند که مسیر آخرت انسان را روشن می‌سازند و تالوهای نورانی آن، روشنی مسیر بهشتی شدن انسان می‌گردند. خداوند چه زیبا می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفهُ لَهُ وَهُوَ أَجْرٌ كَرِيمٌ. يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد! آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش‌شان و به جانب راست‌شان دوان است [به آنان

گویند: امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آن‌ها جاودانید، این است همان کامیابی بزرگ.»^۱

بجاست کسی که قصد دارد کار خیر انجام دهد و می‌خواهد بخشی از دارایی‌اش را برای روز مبادای خود وقف کند، این سخن حضرت علی (علیه السلام) را نصب‌العین خود قرار دهد که فرمود: «يَا ابْنَ آدَمَ، كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ، وَأَعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ؛ پسر آدم! تو خود وصی و جانشین خویش باش و هرکار که می‌خواهی پس از تو با مال و دارایی‌ات بکنند، آن کار را امروز خودت انجام بده (برای روز گرفتاری‌ات، خودت چاره بیندیش و به وراثت واگذار نکن).»^۲

همانند آن فرد خیراندیش و آینده‌نگری که تصمیم داشت کار خیر انجام دهد، به پسرش چنین وصیت کرد: وقتی از دنیا رفتم، یک زمین را صرف آب انبار و باغ دیگر را برای ساخت مسجد و مللک‌های فلان منطقه را صرف ساخت حوزه علمیه کن.

شبی پسر با پدر می‌رفت و به احترام پدر، چراغ به دست از پشت سر حرکت می‌کرد؛ ناگهان در آن تاریکی و ظلمت، چیزی مانده بود که پدر نقش بر زمین شود. به پسر گفت: چرا چراغ را پشت سر من گرفته‌ای، من می‌خواهم جلوی پایم را ببینم!

پسر فهمیده و بالی‌مان زیرکانه پاسخ داد: پدرجان! خودتان صبح گفتید نور را از پشت سر من این‌طور بفرست.

پدر، آفرینی جانانه گفت و فردای آن روز علمای شهر را جمع کرد و گفت: قصد دارد حوزه علمیه‌ای بسازد و این مدرسه حدود چهار قرن است پابرجا و فیاض مانده است.



۱. سوره‌ی حدید، آیات ۱۱ و ۱۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۴۶.

◆ رؤیاهای واقعی

برخی به رؤیای پردازی و غوطه‌ور شدن در دریای خیالات و آرزوهای عادت دارند؛ امیدوار و دل‌خوش به این‌که با شرکت پیامکی در یک مسابقه یا با هزینه‌ای اندک، جوایزی فوق‌العاده دریافت کنند و رؤیاهای‌شان به واقعیت تبدیل شود. برخی درصدد افزایش مال و ثروت هستند، دنبال این‌که از چه راهی می‌توان ارزش افزوده‌ی ثروت و دارایی را بالا ببرند و اهداف بلندپروازانه‌ی خود را به حقیقت تبدیل کنند.

در این میان، بالاترین سود و ارزش افزوده قطعی را خداوند متعال تعیین کرده و با احسان و وقف بخشی از درآمدها، بستری فراهم آورده تا کسانی که در آن هزینه می‌کنند، با دریافت بالاترین سودها، آرزوهای‌شان محقق شود و با خیالی آسوده و اطمینان خاطر، چندین برابر سرمایه‌گذاری خود منتفع شوند و از سود حداقل دو برابر: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ؛ وَ مَثَلُ كَسَانِي كَ اَمْوَالِ خُود رَا بَرَاي خُشُودِي خُودَا وَ تَثْبِيَتِ [مَلَكَاتِ اِنْسَانِي دَر] رُوحِ خُودِ اِنْفَاقِ مِي كُنند، هَمچُون بَاغِي اَسْت كَه دَر نَقْطَه‌ي بَلندي بَاشد وَ باران‌ها ي دَرشْت بَه اَن بَرسد [وَ اِز هَوَاي اَزاد وَ نور اَقْتاب بَه حُدِّ كَافِي بَهره گيرد] وَ ميوهٔ خُود رَا دُو چندان دَهد»^۱ يا ده برابر: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلًا؛ هَر كَس حَسَنه‌اي اِنجام دَهد دِه بَرابَر اَن پاداش دَرد»^۲ تا هفتصد بَرابَر يا بيش‌تر بَهره‌مند گَرند: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ؛ كَسَانِي كَه اَمْوَالِ خُود رَا دَر رَاهِ خُودِ اِنْفَاقِ مِي كُنند، هَمانند بَذري هَسْتند كَه هَفْت خُوشه بَرُوِياند كَه دَر هَرخُوشه، يَك صَد دانه بَاشد وَ خُودانند اَن رَا بَراي هَر كَس بَخُوداد [وَ شايستگي دَاشته بَاشد]، چَند بَرابَر مِي كُند.»^۳ افزون بَر اين‌ها، جَوايز ديگري هَمانند رِزق وَ روزي بِي حساب، اَسايش وَ راحتي دَر قِيامت وَ ديگَر افزوده‌ها ي معنوي بَراي اَنان دَر نَظر گَرفته شده اَسْت، هَمان‌گونه كَه قُرآن مِي فرمايد: «لِيُجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مِمَّا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ بَرُورٌ مِّنْ يَشَاءُ بَعِيرِ حِسَابٍ؛ تا خُودانند اَنان رَا بَراي بَهرتَرين اَعمالِي كَه اِنجام دَاده‌اند پاداش دَهد وَ اِز فَضْلِ خُود بَر پاداش شَان بِيفزَايد وَ خُودانند بَه هَر كَس بَخُوداد بِي حساب روزي [وَ پاداش] مِي دَهد.»^۴

- ۱ . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۵.
- ۲ . سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۶۰.
- ۳ . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۱.
- ۴ . سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۸.

◆ بهانه‌های الکی



ظرفیت‌ها و جوهره‌ی انسان در بستر حوادث است که خودنمایی کرده، پرده از چهره‌ی واقعی انسان برداشته می‌شود. دارایی و ثروت اگر با دین‌داری، باور به غیب و یقین به وعده‌های الهی همراه باشد، انفاق و وقف آن آسان و دل‌پذیر خواهد بود، برخلاف مدعیانی که تا صحبت از بخشش و وقف می‌شود، نقاب بخل و دنیاخواهی از چهره‌ی‌شان برداشته می‌شود: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ حَسْبِيَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا؛ بگو: اگر شما مالک خزائن رحمت ربی پروردگار من بودید، در آن صورت، [به دلیل تنگ‌نظری] امساک می‌کردید، مبادا انفاق، مایه‌ی تنگ‌دستی شما شود و انسان تنگ‌نظر است!»^۱

خداوند در این آیه می‌فرماید: برخی اگر مالک تمام گنج‌های زمین باشند و ثروت‌شان به شماره نیاید، باز برای کوتاهی‌های خود دستاویز و بهانه‌ای می‌بافند؛ زیرا انفاق، احسان و وقف مال و دارایی، به روح بزرگ افراد بستگی دارد نه مال و ثروت‌شان و برخی افراد، توفیق و لیاقت انجام کار خیر را ندارند؛ درحالی‌که بسیاری از افراد کم‌درآمد، با وقف چند جلد قرآن و مفاتیح در مساجد، ثواب بسیاری برای خود ذخیره می‌کنند و از فرصت ایجاد شده، به بهترین شکل بهره می‌برند.



◆ دست‌های لرزان

برای هرچیزی معیار سنجش و اندازه‌گیری وجود دارد؛ از ترازوهای قدیمی گرفته تا ترازوهای دیجیتالی امروز. ایمان و معنویات نیز برای خود سنگ محک و عیار سنجش دارند که با قرار دادن آن در ترازوی ایمان، مقدار و رتبه‌ی انسان مشخص خواهد شد.

یکی از ملاک‌های سنجش ایمان، گرایش به احسان، انفاق، وقف و دیگر اموری است که نشان‌دهنده‌ی عمق باورها، ایمان به غیب و میزان اعتماد انسان به آموزه‌های الهی است. هرمقدار ایمان و اعتماد انسان به خداوند بیشتر و انس او با آموزه‌ها و باورهای دینی با یقین و اخلاص همراه باشد، گرایش او به انجام کارهای نیک و خدایسندانه افزون‌تر خواهد بود.

به تعبیر دیگر، روح انسان آن‌گاه که با معنویات پیونده بخورد و قلب و دلی مطمئن و آرام با یاد خدا و وعده‌های الهی داشته باشد، انجام کارهای شایسته و خدایسند نیز آسان و دل‌پذیر خواهد بود و برای انجام کار خیر، از دست‌های لرزان شیطان‌پسند دور خواهد شد؛ ازاین‌رو قرآن کریم با ترسیم رابطه‌ی عبادت و انجام کارهای خیر می‌فرماید: «وَأَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و پروردگارتان را بپرستید و کار خیر انجام دهید، باشد که نیک‌بخت شوید^۱ و در بیان علامت ایمان حقیقی می‌فرماید: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ مؤمنان حقیقی کسانی‌اند که نماز را برپا می‌دارند و بخشی از آنچه را روزی آنان کرده‌ایم،

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۷. در آیه‌ی دیگر، رزق پاک و درآمد حلال را بستر انجام کار خیر می‌داند و می‌فرماید: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا؛ از نعمت‌های پاک بخورید و کارهای شایسته انجام دهید.» (سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۵۱)

به نیازمندان انفاق می‌کنند؛ اینان اند مؤمنان راستین که در حد ایمان‌شان، درجاتی نزد پروردگارشان دارند و برای آنان آموزش و رزقی نیکوست که در بهشت نصیب‌شان خواهد شد.^۱

به دیگر سخن، رابطه‌ی مستقیمی بین خداخواهی و مردم‌دوستی وجود دارد؛ کسی که خدا را با دل و جان پذیرفته است، برای آسایش و کمک به بندگان خدا نیز پیشقدم شده، گریهی از زندگی آنان می‌گشاید و سنگینی درجه‌ی ایمان خود را در صفحه‌ی ترازوی دین‌داری، به نمایش می‌گذارد؛ خداوند نیز به پاس قدردانی از واقفان و خیراندیشان نیک‌سیرت، آنان را به فلاح و رستگاری می‌رساند و در قیامت نیز سایه‌ی رحمت و احسان خویش را بر آنان می‌گستراند؛ همان روزی که همگی فقیر و با دستان خالی بر پروردگار وارد می‌شوند: «عَرِّضُوا عَلَيَّ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ؛ آن‌ها همه در یک صف بر پروردگارت عرضه می‌شوند [و به آن‌ها گفته می‌شود]: شما همگی نزد ما آمدید آن‌گونه که در آغاز شما را آفریدیم.»^۲



۱ . سوره‌ی انفال، آیات ۳ و ۴.

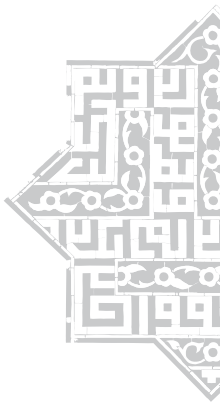
۲ . سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۴۸.

◆ آینه‌ی اعمال

نگاه در آینه، گاهی باعث حیرت و میخ‌کوب شدن انسان می‌شود. حیرت‌زده خود را واریسی کرده، چشم در چشم به خود خیره می‌شود. این همه تغییر ایجادشده برایش باورپذیر نیست. دست کشیدن روی آینه و کنار زدن گرد و غبار آن نیز حقیقت را تغییر نمی‌دهد؛ حتی شکستن آینه هم فایده‌ای ندارد؛ چون آینه تنها همان تصویری را نشان می‌دهد که او در دوران زندگی از خود ساخته و اینک، چهره‌ی رفتارهایش را به او نمایش می‌دهد.

روز قیامت نیز انسان روبه‌روی آینه‌ی اعمال زندگی چندین ساله‌ی خود قرار می‌گیرد؛ کارهای خوب و بدی که انجام داده، این‌که از فرصت زندگی چگونه استفاده کرده؛ این‌که از اموال و دارایی خود چه تصویری برای خود ساخته؛ صورتی زیبا و دوست‌داشتنی از اعمال نیک، احسان‌های ماندگار و وقف‌های گره‌گشا یا چهره‌ای چروکیده و حسرت‌زده از کوتاهی‌ها و از دست دادن فرصت‌ها.

به دیگر سخن، نوع استفاده مثبت یا منفی انسان از اموال و دارایی‌های دنیا، ترسیم‌کننده و نمایانگر چهره‌ی شاد و خرم یا ناراحت و افسرده او در قیامت خواهد بود. قرآن کریم این حقیقت را این‌گونه بیان کرده است: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ؛ در روز قیامت، هرکس هرچه کار خیر یا کار بد انجام داده است، روبه‌روی خود حاضر می‌بیند.»^۱



انسانی که در این دنیا ضرر کرده و پشیمان شده باشد، انگشت سبابه می‌گزد، دست بر سر می‌گذارد و حسرت زده و حیران، اندوه و ناامیدی را در صفحات ذهنش مرور می‌کند. گاه انسان ورشکست شده، تمام سرمایه‌اش را می‌بازد؛ بدتر از این دو، کسانی هستند که هم دنیا را می‌بازند و هم آخرت را؛ هم این‌جا ورشکسته می‌شوند و هم در قیامت. برخی افراد همین که پا به عرصه‌ی محشر می‌گذارند، متوجه ورشکستگی و زیان‌دیدگی خود می‌شوند؛ خسارتی که به‌هیچ‌عنوان با خسارت‌های دنیایی قابل‌مقایسه نیست. در دنیا همیشه راهی برای جبران یا آغاز دوباره وجود دارد؛ ولی در آخرت، راهی برای بازگشت نیست؛ شاید به‌همین دلیل، یکی از نام‌های روز قیامت «یوم الحسرة» است؛^۱ روزی که عده‌ای دچار حسرت و افسوس می‌گردند؛ همان‌ها که سرمایه‌ی زندگی و فرصت زنده بودن را داده‌اند و اکنون در قبر و قیامت، نه دنیایی برای‌شان مانده و نه آخرتی! این‌گونه افراد، با حسرت و ندامت می‌گویند: «یا لیتنی قَدَّمْتُ لِحَیَاتِی؛ ای کاش برای زندگی‌ام چیزی پیش فرستاده بودم!»^۲

به فرموده‌ی قرآن، این قصه برای تمام انسان‌ها قابل تکرار است و همه در معرض چنین ضرر و زبانی هستند: «إِنَّ

الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»^۳

تنها راه چاره نیز ایمان و انجام کارهای شایسته و خدایسندانه است: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ؛ مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند.»

باید پیش از آن که دیر شود، اقدام کرد. تا اصل سرمایه باقی است، باید فکری اندیشید و به خود رحم کرد؛ همانند آن یخ-فروشی که فریاد می‌زد و می‌گفت: «إِرْحَمُوا مَنْ يَدُوبُ رَأْسِ مَالِهِ، إِرْحَمُوا مَنْ يَدُوبُ رَأْسِ مَالِهِ؛ رحم کنید به کسی که سرمایه‌اش ذوب می‌شود، رحم کنید به کسی که سرمایه‌اش آب می‌شود و از بین می‌رود!»^۴

تا فرصت باقی است باید دستی جنباند و قبل از آن که اصل سرمایه به باد داده شود، آن‌ها را به کمال لایق آن رساند و با وقف و احسان، برای همیشه ماندگار کرد و از حسرت و خسارت، پیش‌گیری نمود.

۱. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۹: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ؛ آنان را از روز حسرت بترسان.»

۲. سوره‌ی فجر، آیه‌ی ۲۴.

۳. سوره‌ی عصر، آیه‌ی ۲.



برای دویدن در سطح صاف و هموار، انرژی چندانی نیاز نیست؛ ولی وقتی موانعی پیش پای انسان قرار بگیرد، دویدن و حرکت به جلو دشوار می‌شود؛ حتی در ورزش دوومیدانی، دوی با مانع دشوارتر از دویایی مانند یک صدمتر و امثال آن است.

انجام کارهای خیر و شایسته نیز موانع خاص خودش را دارد؛ گاه انسان خرج‌هایی می‌کند که بسیاری از آن‌ها غیرضروری و بی‌فایده است؛ اما وقتی نوبت به کار خیر می‌رسد، موانع و سرعت‌گیرها ردیف می‌شوند و او را از اقدام و حرکت بازمی‌دارند.

اصولاً یکی از کارهای شیطان، شبهه‌افکنی، وسوسه‌انگیزی و مانع‌تراشی بر سر کارهای نیک، همانند انفاق و احسان، صدقه و وقف است تا انسان را از پیروزی در مسابقات مالی ناکام بگذارد.

گاه می‌گوید: اگر خدا می‌خواست خودش به آن‌ها کمک می‌کرد: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْتُمْ مَن نُّؤْتِيهِمُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ و هرگاه به آنان گفته شود: از آنچه خداوند روزی شما کرده بخشش کنید، کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: آیا به کسانی غذا دهیم که اگر خداوند می‌خواست خودش به آن‌ها غذا می‌داد؟ شما در گمراهی آشکاری هستید!»^۱

گاه با مانع ریا و تظاهر می‌آید و می‌گوید: می‌خواهی با وقف، نامت را سرزبان‌ها بیندازی و در زمره‌ی خیران و نیکوکاران نامت را همه‌جا ذکر کنند، درحالی‌که کار مخفیانه، هم ثوابش بیش‌تر است و هم از ریا در امان خواهی ماند!

خداوند متعال به زیبایی در پاسخ به این ترغیب شیطان می‌فرماید: «مَنْ رَزَقْنَاهُ مِمَّا رَزَقْنَا فَهُوَ حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا؛ ما به انسان از جانب خود رزق نیکو داده‌ایم، پس او مخفیانه و آشکارا از آن انفاق می‌کند.»^۲

یعنی منافاتی ندارد و انسان می‌تواند هم احسان و نیکوکاری پنهان انجام دهد و هم به صورت آشکار و علنی تا دیگران هم به وقف و کارهای خیر، تشویق و ترغیب شوند. هر دو نیز در سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) وجود داشته است؛ هم انفاق شبانه و مخفیانه و هم وقف به صورت آشکارا و علنی.

۱ . سوره‌ی یس، آیه‌ی ۴۷.

۲ . سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۷۵.

◆ لغزش

همیشه بهانه برای لغزیدن و گرفتار شدن هست؛ دل‌دادگی‌ها و دل‌بستگی‌های نامتعارف و آلوده، رابطه‌ها و واسطه‌گری‌های مالی و سیاسی، بدخواهی‌های دوستان و هم‌کاران، ترفندهای زندانی دشمنان و ده‌ها مورد کوچک و بزرگ دیگر، انسان را از جایی که تصور نمی‌کند، گرفتار و دربند می‌کند و همین لغزش، زندانی شدن، پشیمانی و سرافکنندگی را به همراه می‌آورد.

دارایی و ثروت دنیا از لغزشگاه‌هایی است که باعث دربند شدن انسان می‌گردد و شیطان با وسوسه‌ها و تلقین‌های ماهرانه‌ی خویش، قفل محبت و دل‌دادگی به داشته‌ها را بر دستان انسان می‌زند و از وقف کردن و بخشش قسمتی از دارایی و مال و مکتب، جلوگیری می‌کند.

چه زیباست اگر انسان از ثروت و دارایی دنیایی خویش برای تجارت بزرگ آخرت هزینه کند و از زندان مال‌دوستی، به حریت و آزادی احسان و نیکوکاری برسد. امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَرَجُلٌ ابْتِاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا؛ دنیا سرای گذر است و آخرت سرایی است که در آن می‌مانند و مردم در دنیا دو گروه هستند: گروهی خود را فروخته، به بند آن میکشند و گروهی خود را خریده، آزاد می‌سازند».^۱ قرآن کریم با یادآوری حقیقت دنیا، انسان را به دوری از غفلت و فریفتگی فرا می‌خواند و با سفارش به آخرت‌مداری و تدارک باقیات الصالحات، می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزندان، زینت زندگی دنیا هستند و کارهای ماندگار شایسته، نزد پروردگارت پاداشی بهتر دارند و امیدبخش‌ترند».^۲



۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۴۶.

۲. سوره‌ی کهف، آیه ۴۶.

گاه یک روند اشتباه، به تکرار مدام آن می‌انجامد؛ درحالی‌که اندیشیدن، تجربه‌اندوزی و رفع نقص و عیب، آن چرخه‌ی معیوب را به کارآمدی، فراوری و ثمربخشی تبدیل خواهد کرد.

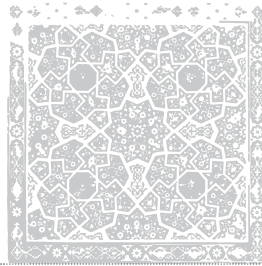
قبلی‌هایی بودند که دارایی و ثروت بسیار زیادی داشتند؛ از دنیا هم لذت بردند و خوش بودند، ولی بالاخره خوشی‌ها پایان یافت و پرونده‌ی زندگی‌شان بسته شد. این چرخه الان به ثروتمندان و متمولان امروزی رسیده و دیر یا زود، دوره‌ی این‌ها هم با تمام خوشی‌ها، شهرت‌ها و لذت‌های کم و زیادش پایان خواهد یافت.

قرآن این مهم را چه دلسوزانه هشدار می‌دهد: «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَآكَثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا؛ پیشینیان از شما قوی‌تر بودند و مال و اولادشان بیش‌تر بود، پس به سهم خود [از متاع فانی دنیا دو روزی] متمتع و بهره‌مند بودند، اکنون هم که نوبت به شما رسید به تمتع دنیا به سهم خود مانند آن‌ها سرگرم شدید و هم [در شهوات دنیا] مانند آن‌ها فرو رفتید!»

سپس نسبت به نتیجه‌ی تلخ خوش‌گذرانی افراطی و بی‌هدف در دنیا و بی‌توجهی به آخرت اشاره کرده، می‌فرماید: «أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ آنان مردمی هستند که اعمال‌شان در دنیا و آخرت نابود و باطل گشت و هم آنان به حقیقت زیانکاران عالم‌اند!»^۱

گویا با لحن جدی و هشدار از سر دلسوزی و اصلاح‌خواهانه می‌فرماید: شما هم می‌خواهید مثل آن‌ها باشید و این چرخه‌ی ناقص را تکرار کنید یا با عزم و اراده‌ای قوی، برای احیای زندگی آخرت خود تصمیم‌مردانه و جدید می‌گیرید و با احسان و وقف کردن بخشی از دارایی، برای پس از دنیا نیز برنامه‌ریزی و تدبیر می‌کنید؟!

شاید به‌همین دلیل، در آیه بعد، به قوم نوح و عاد و ثمود و دیگر برخورداران دنیا مثال می‌زند و می‌فرماید که اگر کسی کوتاهی و بی‌توجهی کرد، نباید تقصیر را گردن دیگران بیندازد: «فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْطِيَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛ خدا هیچ ستمی بر آن‌ها نکرد، بلکه آن‌ها خود در حق خویش ستم می‌کردند.»



◆ خط تردید

گاه به انسان پیشنهادی داده می‌شود که چه‌بسا در آن لحظه نتواند تصمیم مشخصی بگیرد و پاسخ را به اندکی تأمل و مشورت گرفتن موکول می‌کند.

با اندکی ضرب و تقسیم، اندیشیدن^۱ و مقایسه‌ی سود و ضررها، بررسی دستاوردها و پیامدها، مشاوره گرفتن و راهنمایی دوست خیرخواه و باتجربه، باعث فاصله گرفتن از روی خط تردید و اخذ تصمیم نهایی می‌شود.

خداوند به‌عنوان خالق هستی و مالک حقیقی، احسان و نیکوکاری و وقف بخشی از اموال در راه خدا را به انسان پیشنهاد داده و دستاوردهای پذیرش و پیامدهای بی‌اعتنایی به این پیشنهاد و سوسه‌انگیز معنوی را نیز ذکر کرده و با تبیین نکات مثبت و منفی هر دو انتخاب، انسان را مخیر نموده تا با مقایسه سود و ضررها، به اختیار خود یکی را برگزیند.

اول آن‌که آنچه را وقف می‌کند، ماندگار و کمک‌حال نیازمندان خواهد ماند، برخلاف دیگر دارایی‌ها که دیر یا زود از دسترس او خارج می‌شود و با پایان یافتن زندگی دنیایی، در اختیار ورثه قرار می‌گیرد.^۲



۱. رک: سوره‌ی رعد، آیه ۱۹.

۲. «مَا يَنْفَعُ النَّاسَ قَيْمَتُكَ فِي الْأَرْضِ: آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین باقی و ماندگار می‌ماند.» (سوره‌ی رعد، آیه ۱۷)



ضمن آن‌که، پذیرفتن دعوت خدا، افزون بر فواید مادی دنیایی، خوش‌بختی و سعادت در آخرت را برای او به ارمغان خواهد آورد: ^۱ «لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَى؛ برای آن‌ها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند [پاداش و] نتیجه‌ی نیک است»؛ همچنین، خیران و واقفان بایمان، همراه خانواده و فرزندان صالح خود، وارد بهشت شده، ^۲ مورد استقبال و احترام فرشتگان قرار خواهند گرفت: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ سلام بر شما به خاطر صبر و استقامت‌تان، چه پایان نیک و چه عاقبت خوبی!» ^۳

در نقطه‌ی مقابل، پیامدهای ناگواری در انتظار انسان است و او به آفات و بلایای بسیاری مبتلا خواهد شد و در روز نیاز و گرفتاری، هیچ ذخیره و یآوری نخواهد داشت. ^۴

۱. «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ وَ لَا يَزَهُقُ وَجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ برای کسانی که کارهای نیکو کرده‌اند، بهترین پاداش و پاداشی افزون بر آن خواهد بود. بر چهره‌های‌شان هیچ غبار سیاهی نمی‌نشیند و هیچ ذلتی آن‌ها را فرا نمی‌گیرد. آنان اهل بهشت‌اند و در آن جاودانه‌اند.» (سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۶)

۲. «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَ مَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ؛ [همان] باغ‌های جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آن‌ها و فرشتگان از هر در بر آنان وارد می‌شوند.» (سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۳)

۳. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۴.

۴. «وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ نُوَّأْنٌ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَاقْتَدُوا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ و آن‌ها که اجابت دعوت او را نکردند [آن‌چنان در وحشت عذاب الهی فرو می‌روند که] اگر تمام آنچه روی زمین است و همانندش، از آن آن‌ها باشد همگی را برای رهایی از عذاب می‌دهند [و] از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد] برای آن‌ها حساب بدی است و جایگاه‌شان جهنم و چه بد جایگاهی است!» (سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۸)



◆ مثل آن‌ها...

وقتی انسان پذیرفته است که با راهنمایی کارشناسان خبره، متخصص و اهل فن به سوی قله رهسپار شود، باید پشت سر آنان حرکت کند و در همان راه و مسیری که مشخص می‌کنند، گام بردارد. حال اگر کسی طبق محاسبات و تشخیص خود یا با غرور و نخوت جاهلانه بخواهد دست از پیروی بردارد، نه تنها به قله و اوج نخواهد رسید، چه بسا سقوط و هلاکت را نیز تجربه خواهد کرد.

انجام کارهایی مانند احسان و وقف، گاه با محاسبات دنیایی انسان هماهنگ نیست. برخی نمی‌توانند رازهای پنهان این توصیه‌های ناب را به ذهن رفاه‌زده‌ی خود بقبولانند و مثل آن‌ها رفتار کنند. همان‌هایی که اسوه و الگویی ابدی بودند و نه تنها خود در هرفرصت از دست‌رنج خویش برای نیازمندان «وقف» می‌کردند، بلکه دیگران را نیز به این سنت حسنه تشویق می‌نمودند؛ زیرا باور داشتند انجام کار نیک، دست‌گیری از نیازمندان و وقف کردن خود برای محتاجان، نجات‌دهنده‌ی انسان از گرفتاری‌ها و حسرت‌های آخرت خواهد بود؛ روزی که دیگر راهی برای جبران وجود ندارد. «زُهری» می‌گوید: «شب هنگام، مردی را دیدم که در تاریکی، کوله‌بار سنگینی



را به دوش گرفته بود و نفس زنان آن را حمل میکرد. دیدم امام سجاد (علیه السلام) است. سلام کردم و گفتم: این موقع شب کجا می‌روید و این بار چیست؟ حضرت فرمود: مقداری آذوقه است و میخواهم به سفر بروم و آن جایی می‌برم که محفوظ بماند تا موقع سفر با خودم ببرم. زهری گفت: این فرد غلام من است، اجازه دهید او بار را حمل کند. امام نپذیرفت. زهری جلو آمد و عرض کرد: بگذارید من حمل کنم. امام فرمود: تو را سوگند میدهم که مانع من نشوی، تو نیز هر جا که میخواهی برو.

پس از چند روز زهری خدمت امام رسید و پرسید: آن شب در کوچه‌های مدینه میرفتید و فرمودید که عازم سفر هستید؛ اما هنوز شما را در شهر میبینم؟ امام فرمود: سفری که گفتم سفر آخرت بود و توشه‌های که گفتم توشه‌ی آخرت. آن را به نیازمندان دادم تا محفوظ بماند که موقع مرگ دستم خالی نباشد.^۱

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَنْتُمْ مِمَّنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ و از آنچه به شما عطا کرده‌ایم انفاق کنید، پیش از آن که مرگ به سراغ یکی از شما بیاید، پس او بگوید: پروردگارا! کاش مدتی اندک به من مهلت می‌دادی تا انفاق کنم و از صالحان گردم!»^۲

در ره منزل لیلی که خطرناک است در آن نقطه عشق نمودم به تو همان سهو مکن کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش شرط اول قدم آن است که مجنون باشی
ور نه چون بنگری از دایره بیرون باشی
کی روی ره ز که پرسی، چه کنی، چون باشی^۳

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. سوره منافقون، آیه ۱۰.

۳. حافظ.

برخی افق دید و خواسته‌های‌شان کوتاه و ناچیز است، درحالی‌که افق نگاه و باور انسان‌های متعالی انتهایی ندارد و روح بلندشان، هیچ‌گاه به اندکی از بسیار قانع نمی‌شود. این مسئله در مباحث دینی و معنوی نیز کاربرد دارد؛ این‌که انسان مؤمن باید بلندپرواز باشد و عنقای خواسته‌هایش جز بر آشیان بهشت فرود نیاید و به کم بسنده نکند. قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى: [ای پیامبر!] بگو متاع دنیا ناچیز است و آخرت برای کسی که تقوا ورزید، بهتر است.»^۱ و می‌فرماید: «أَرْضَيْتُمْ بِالدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ؛ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟»^۲

این سقفاگاه را به از این نردبان مخواه
نداومت که در این دامگه چه افتاده است

همت تو را به کنگره‌ی کبریا کشد
تو را ز کنگره‌ی عرش می‌زنند صغیر

گذشتن از ثروت و دارایی و وقف آن برای کارهای شایسته و رفع مشکلات مادی و معنوی نیازمندان و ضعیفان، همانند ساخت کتاب‌خانه، منازل مسکونی، درمانگاه، هیئت و حسینیه، انجام کارهای فرهنگی و هزاران نمونه‌ی کوچک و بزرگ مانند آن، واگوبه‌ای از افق روشن، آینده‌نگر، همت بلند و مناعت طبع واقفان و خیران مؤمنی است که با گذشتن از متاع قلیل دنیا، به ثروت بی‌نهایت آخرت می‌رسند و از ثروت و دارایی دنیا، برای رسیدن به رضای الهی و دست‌یابی به نعمت‌های بی‌پایان بهشتی بهره می‌گیرند.

امام حسین (علیه السلام) می‌فرمود: «أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ؛ خداوند کارهای بزرگ و بلندپایه را دوست دارد.»^۳ آن حضرت خود مظهر بلندهمتی و خیرخواهی بود؛ از این رو خود را وقف اسلام کرد و خداوند نیز به پاس گذشتن سیدالشهدا از همه‌ی دارایی و علائق دنیایی، یادش را پیوسته کرد و مدال «محبت جاودان»^۴ او را بر سینه‌ی بشریت ثبت نمود تا برکات جاری و همیشگی‌اش، ره‌نمای گرفتاران و نجات‌بخش آدمیان باشد.

۱ . سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۷.

۲ . سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۸.

۳ . بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۲۳.

۴ . پیامبر اعظم (ص) فرمود: «إِنَّ لِقَاتِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ همانا برای شهادت حسین (علیه السلام) حرارتی در دل‌های مؤمنان است که تا ابد به سردی نمی‌گراید.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۷)





گل‌واژه‌های بارانی

◆ در این فرصت، به یادآوری چند نکته از سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازیم که با اندکی تأمل و اندیشیدن در آنها، ناگفته‌های بسیاری واگویی می‌شوند و این لحظات ناب مکث و درنگ، تلنگرهایی به لذت سعادت و نیک‌بختی بر جان مؤمنان و خداپاوران می‌نشانند.

◆ سرای پایدار

حضرت علی (علیه السلام):

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمْرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ...
وَ أَخْرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أُنْبَادَانِكُمْ... إِنَّ الْمَرْءَ إِذَا هَلَكَ
قَالَ النَّاسُ: مَا تَرَكَ وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ لِلَّهِ. أَبَاؤُكُمْ فَقَدَّمُوا بَعْضًا يَكُنْ لَكُمْ
قَرْضًا وَ لَا تُخْلِفُوا كَلًّا فَيَكُونَ قَرْضًا عَلَيْكُمْ»

ای مردم! دنیا سرای گذر است و آخرت خانه‌ی پایداری. پس، از گذرگاه خویش
برای منزلگاه دائمی توشه بگیرید!... پیش از اینکه بدن‌تان را از دنیا بیرون
برند، دل‌هایتان را از آن خارج سازید... آدمی چون هم‌برد، مردم گویند: چه باقی
گذاشت! اما فرشتگان می‌پرسند: چه چیز پیش فرستاد؟

خدا پدران‌تان را بیامرزد! مقداری از ثروت خویش را از پیش بفرستید تا برای
شما (در پیشگاه الهی) ذخیره شود؛ و همه را مگذارید که (در قیامت و
موافق آن) وبال گردن‌تان شود.»^۱

◆ دوست ندارید ولی...

حضرت علی (علیه السلام):

«عِبَادَ اللَّهِ، أُوصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرَكَهَا، وَ
الْمُيَلَّةِ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تُجَدِّدَهَا...»

ای بندگان خدا، شما را به ترك دنیایی سفارش می‌کنم که شما را رها می‌سازد،
گرچه شما جدایی از آن را دوست ندارید؛ دنیایی که بدن‌های شما را کهنه و
فرسوده می‌کند، با این‌که دوست دارید همواره تازه و پاکیزه بمانید.^۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۹.

◆ رفیق نیمه راه

امیرمؤمنان علیه السلام:

«لَا تَعَجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجْزَعُوا مِنْ صَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعِ وَ إِنَّ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ وَ صَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا إِلَى نَقَادٍ وَ كُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فِتْنَةٍ؛

فرب زینت‌ها و نعمت‌های دنیا را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید، زیرا عزّت و افتخارات دنیا پایان می‌پذیرد، زینت و نعمت‌هایش نابود می‌گردد، و رنج و سختی آن هم تمام می‌شود، هر مدّت و مهلتی در آن به پایان می‌رسد و هر موجود زنده‌ای به سوی مرگ می‌رود.»^۱

◆ مالک هر دو خانه

حضرت علی (علیه السلام) :

«النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانٌ: عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، قَدْ شَخَّلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ، يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُقُهُ الْفَقْرَ وَيَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ فَيُفْنِي عُمُرَهُ فِي مَنَفَعَةِ غَيْرِهِ، وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، فَأَحْرَزَ الْحَظَّ بِنِعْمَةٍ، وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا، فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، لَا يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ؛

مردم در دنیا دو گروهند: گروهی تنها برای دنیا تلاش می کنند و دنیاپیشان آنان را از آخرتشان بازداشته است. نسبت به بازماندگان خود از فقر وحشت دارند، ولی از فقر خویش (برای جهان دیگر) خود را در امان می دانند، از این رو عمر خود را در منافع دیگران فانی می سازند (و دست خالی به آخرت می روند).

گروه دیگر برای آنچه بعد از دنیاست تلاش می کنند؛ سهم آنان بدون نیاز به کار و کوشش فراوان از دنیا به آنها می رسد. چنین کسانی، هر دو سود را برده اند و هر دو سرا را با هم مالک شده اند. آنها در درگاه خدا آبرومندند و هرچه بخواهند خداوند از آنها دریغ نمی دارد.»^۱

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۶۹.

◆ تمرین نیکوکاری

امیرمؤمنان علیه السلام:

«فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَ الْإِحْتِهَادِ، وَ التَّأَهُبِ وَ الْإِسْتِعْدَادِ، وَ التَّرَوُّدِ فِي مَنَزِلِ الرَّادِ، وَ لَا تَعَرَّضُوا الدُّنْيَا كَمَا عَرَّثَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَّمِ الْمَاضِيَةِ...»

بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن و جمع آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی دنیا.

دنیا شما را مغرور نسازد، چنان که گذشتگان شما و امت های پیشین را در قرون سپری شده مغرور ساخت؛ آنان که دنیا را دوشیدند، به غفلت زدگی در دنیا گرفتار آمدند، فرصت ها را از دست دادند و تازه های آن را فرسوده ساختند، سرانجام خانه هایشان گورستان، و سرمایه هایشان ارث این و آن گردید.^۱

◆ از همین امروز

مولای متقیان علیهم السلام:

«وَأَذْكُرُ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ أَمْسِكُ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدَّمَ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ أَتَرْجُو أَنْ يُؤْتِيكَ اللَّهُ أَجْرَ الْمُتَوَاضِعِينَ وَ أَنْتَ عِنْدَهُ مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ تَطْمَعُ وَ أَنْتَ مُتَمَرِّعٌ فِي النَّعِيمِ مَمْنَعُهُ الضَّعِيفَ وَ الْأَزْمَلَةَ أَنْ يُوجِبَ لَكَ ثَوَابَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ إِهْمَا الْمَرْءُ مَجْزَى بِمَا أَسْلَفَ وَ قَادِمٌ عَلَى مَا قَدَّمَ»

از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش ننگه دار و زیادی را برای روز نیازمندیات [در آخرت] پیش فرست. آیا امید داری خداوند پادشاه فروتنان را به تو بدهد، در حالی که از متکبران باشی؟ و آیا طمع داری ثواب انفاق کنندگان را دریابی، در حالی که در ناز و نعمت قرار داری و تهی‌دستان و بیوه‌زنان را از آن نعمت‌ها محروم کنی؟ همانا انسان، به آنچه پیش فرستاده [و نزد خدا ذخیره ساخته]، پادشاه داده خواهد شد و به سوی آنچه مقدم داشته، خواهد رفت.»^۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱.

◆ کوچکِ بزرگ

حضرت علی (علیه السلام):

«افْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تُحَقِّرُوا مِنْهُ شَيْئًا، فَإِنَّ صَغِيرَهُ كَبِيرٌ وَ قَلِيلُهُ كَثِيرٌ؛

کار خیر انجام دهید و هرگز چیزی از آن را کوچک مشمارید، چرا که کوچکش بزرگ و کمش افزون است.»^۱

◆ خزانه‌دار دیگران

امیرمؤمنان (علیه السلام):

«يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ حَازِنٌ لِعَيْرِكَ؛

ای فرزند آدم! هر چه بیشتر از مقدار خوراکت به دست آوری،

خزانه‌دار دیگران خواهی بود.»^۱

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۹۲.

◆ برگزیده‌ها

حضرت علی علیه السلام:

«إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرُبُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوها نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَىٰ غَيْرِهِمْ؛

خداوند بندگانی دارد که برای نفع رسانی به دیگر بندگان، نعمت‌هایی را به آنها اختصاص داده است و تا هنگامی که نعمت‌ها را بخشش می‌کند، خداوند آن نعمت را در دست‌شان پایدار می‌کند و وقتی از بذل و بخشش امتناع کنند، نعمت‌ها را از آنان می‌گیرد و به کسانی دیگر تحویل می‌دهد.»^۱

◆ مسابقه نیکوکاری

امام صادق (علیه السلام):

«تَتَأَفَّسُوا فِي الْمَعْرُوفِ لِإِخْوَانِكُمْ وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ فَإِنَّ لِلْجَنَّةِ أَبَا يُقَالُ لَهُ
الْمَعْرُوفُ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ اصْطَبَعَ الْمَعْرُوفَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»

در نیکی به برادران خود با یکدیگر مسابقه بگذارید و اهل نیکی باشید،
که بهشت را دری است به نام معروف (نیکی) که جز کسی که در زندگی
دنیا نیکی کرده، داخل آن نمی شود... به خدا قسم وقتی مؤمن به حاجتش
می رسد، رسول خدا(ص) از خود او خوشحال تر است.»^۱

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۵.

◆ روز امتحان

امام صادق علیه السلام:

«امْتَحِنُوا شِعْتَنَا ... إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مَوَاسَاتِهِمْ لِأَخْوَانِهِمْ فِيهَا؛

شیعیان ما را با سه چیز امتحان کنید: (یکی از آنها) نسبت به اموالشان، که به

برادران دینی خود تا چه مقدار کمک و همراهی می‌کنند؟»^۱

◆ فرصت را دریاب!

امام باقر علیه السلام:

«إِيَّاكَ وَ التَّفْرِيطَ عِنْدَ إِمْكَانِ الْفُرْصَةِ فَإِنَّهُ مَبْدَأُ يَجْرِي لِأَهْلِهِ بِالْخُسْرَانِ:

از کوتاهی و کم‌کاری هنگام [به دست آمدن] فرصت [انجام کار خیر و اعمال نیک] بپرهیزید! به‌راستی که فرصت عرصه‌ای است که برای اهلش (فرد کم‌کار) زیان‌بار خواهد بود.»^۱

◆ مراقب باشید!

امام کاظم علیه السلام:

«إِيَّاكَ أَنْ مَمَّعَ فِي طَاعِهِ اللَّهُ فَتَنْفِقَ مِثْلِيهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ؛

مبادا که از خرج کردن در راه خدا دریغ کنی، که در نتیجه دو برابر آن را در نافرمانی خدا خرج کنی!»^۱

◆ راز جاودانگی

امیرالمومنین امام علی (علیه السلام):

«المُحْسِنُ حَيٌّ وَإِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ»

نیکوکار زنده است، هر چند به خانه‌های مردگان منتقل شود.^۱

۱. غرر الحکم: ۱۵۲۱؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۸۶.

◆ عجله کنید!

پیامبر ﷺ:

«إِذَا نَوَيْتَ خَيْرًا فَعَجِّلْ وَإِلَّا مَنَّكَ الشَّيْطَانُ عَنْ ذَلِكَ»

هرگاه قصد [کار] خیری کردی شتاب کن، وگرنه شیطان تو را از آن باز می‌دارد.»^۱



توضیحات و شرایط شرکت در مسابقه

- ◆ ۱. تمامی سؤالات از کتاب «مثل باران» طرح شده و بر مبنای مطالب کتاب، تصحیح می‌گردد.
- ◆ ۲. شرکت کنندگان باید گزینه‌های صحیح را به صورت یک عدد ۱۵ رقمی، از چپ به راست، به سامانه ۳۰۰۱۹۶۶ ارسال نمایند.
- ◆ ۳. آخرین مهلت ارسال پیامک ۹ بهمن ماه ۱۳۹۵ می‌باشد.
- ◆ ۴. قرعه‌کشی همزمان با سالروز ورود رهبر کبیر انقلاب در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۵ انجام خواهد شد.
- ◆ ۵. اسامی برگزیدگان در همان تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۵ در سایت مجتمع فرهنگی آموزشی سازمان اوقاف به نشانی www.mfpo.ir و نیز در سایت معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه به نشانی www.mfso.ir اعلام خواهد شد.
- ◆ ۶. به برندگان مسابقه، به قید قرعه جوایز ارزشمندی اعطا خواهد شد.
- ◆ ۷. برندگان، دو هفته بعد از اعلام نتایج فرصت دارند مشخصات درخواستی را اعلام نمایند، در غیر این صورت از لیست برندگان کنار گذاشته خواهند شد.



پرسشنامه کتاب مثل باران...

۱) گزینه صحیح کدام است؟

۱. زرق و برق دنیا برای هیچ کس میوه نمی‌شود.
۲. روزی پروردگارت هم بهتر است و هم ماندگار و پایدارتر.
۳. روزی و ثروت برای همگان یکسان مقرر شده است.
۴. گزینه ۱ و ۲

۲) وقف کردن، چه دستاوردهایی نصیب انسان می‌کند؟

۱. جاودانگی در بهشت
۲. نیک‌نامی و شهرت دنیا
۳. شادکامی و بهترین سرانجام‌ها
۴. همه موارد

۳) شعر «کاروان رفت و تو در خوابی...» از کیست؟

۱. حافظ شیرازی
۲. سعدی شیرازی
۳. صائب تبریزی
۴. فردوسی

۴) آیه «أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ» به کدام ضرورت وقف کردن اشاره دارد؟

۱. وقف از مال حلال و درآمدهای مشروع
۲. وقف همراه با وصیت‌نامه مکتوب
۳. وقف بدون ریا و منت
۴. همه موارد

۵) «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» در کدام آیه و سوره ذکر شده است؟

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۳.
۲. سوره مریم، آیه ۷۶.
۳. سوره نحل، آیه ۹۶.
۴. سوره اسراء، آیه ۷.

۶) بیت‌الغزل زندگی هر انسانی چه چیزی می‌تواند باشد؟

۱. وقف بخشی از دارایی و املاک
۲. انجام مداوم اعمال صالح
۳. پایبندی به واجبات و ترک محرمات
۴. همه موارد

۷) ترجمه صحیح آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ»، کدام گزینه است؟

۱. هر کار خیری انجام دهید، بدون پاداش نمی‌ماند.
۲. اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید.
۳. برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است.
۴. برای خود نیکی از پیش بفرستید.

۸) وقف کردن برای کدام یک از موارد زیر صحیح است؟

۱. وقف برای کودکان بی‌سرپرست و خیابانی
۲. وقف برای ترویج برنامه‌های فرهنگی
۳. وقف برای خانه سالمندان و مناطق محروم
۴. همه موارد



۹) به فرموده قرآن، زندگی در دنیا مانند چیست؟

۱. مانند یک نیمروز
۲. مانند هزار سال در آخرت
۳. مانند یک روز
۴. گزینه ۱ و ۳

۱۰) کدام گزینه نشانه‌ی کیاست معنوی انسان است؟

۱. اقامه نماز اول وقت
۲. انجام وقف
۳. قرائت روزانه‌ی قرآن
۴. سفرهای زیارتی

۱۱) حدیث «دنیا سرای گذر است» از کدام معصوم علیه السلام است؟

۱. پیامبر اعظم(ص)
۲. امام صادق(ع)
۳. امام علی(ع)
۴. امام هادی(ع)

۱۲) انسان‌ها با چه بهانه‌هایی دچار لغزش و گرفتاری می‌شوند؟

۱. ترفندهای رندانه‌ی دشمنان
۲. دلدادگی‌ها و دلبستگی‌های نامتعارف
۳. بدخواهی‌های دوستان و همکاران
۴. همه موارد

۱۳) خداوند در ازای وقف و نیکوکاری، چه مقدار پاداش و سود تعیین کرده است؟

۱. دو برابر
۲. ۵۵ برابر
۳. هفت صد یا بیش تر
۴. همه موارد

۱۴) چرا برخی اگر مالک تمام گنج‌های زمین باشند، باز هم از انفاق، احسان و وقف خودداری می‌کنند؟

۱. توفیق و لیاقت انجام کار خیر ندارند.
۲. دچار بخل و دنیاخواهی هستند.
۳. دین‌داری و باور به غیب آنان ضعیف است.
۴. همه موارد

۱۵) آیه «یا لَیْتَنی قَدَّمْتُ لِحَیَاتِی»، در کدام سوره ذکر شده است؟

۱. سوره عصر
۲. سوره بقره
۳. سوره فجر
۴. سوره آل عمران

